

حرف‌های ساده

محمد رضا دهدست

مدرس مرکز تربیت معلم شهید مفتاح شهرری

◀ **کلید واژه‌ها:** نماز، معارف دینی، حضور قلب، عبادت، اقامه نماز، رابطه با خدا

۱. نماز چیست؟

به این عبارت در فارسی نماز و در عربی صلات (صلوة) گویند. صلات یعنی توجه به خدا برای شکرگزاری و طلب رحمت، دعا، تسبیح، اگر از طرف خدا باشد به معنی رحمت و درود به بندگانش (ترجمه المنجد رحیمی، ۶۰۳)، مثل ۱.

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت، ۴۵)
همانا نماز، از بدی و زشتی باز می‌دارد. صلات در این کریمه، به معنی نماز معروف بین ما مسلمانان است اما صلات از طرف خدا به معنی سلام، درود و رحمت هم هست. مثل
إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ (الأحزاب، ۵۶) همانا خدا و فرشتگانش به پیامبر درود و رحمت می‌فرستند.

اصل کلمه نماز در فارسی، نماز بوده است. ماز به معنی چین، شکن و پیچ و پیچ است. مثل مازندران، یعنی خطه‌ای که راه‌های کوهستانی و پیچ و پیچ دارد. نماز یعنی مسیر و صراط مستقیم، راهی که انحراف ندارد و انسان را به هدف مستقیم می‌رساند. مازو، برجستگی‌های کروی شکل و ناراست را گویند (معین، فرهنگ فارسی ۴۸۱۰/۴ و ۳۶۹۵/۳)

نماز در اصطلاح به معنی همان عبادت واجب الهی است که ما مسلمانان انجام می‌دهیم و در پنج وعده شبانه

چکیده

بحث نماز و اهمیت آن و جایگاهش در دین اسلام از مهم‌ترین موضوعات معارف اسلامی است و معلمان معارف دینی در این مجموعه، همواره در برابر پرسش‌های فراوانی قرار دارند، به خصوص از طرف نوجوانان و جوانان،

از جمله:

- چرا باید نماز بخوانیم؟
 - چرا باید نماز را به عربی بخوانیم؟
 - فرق اقامه نماز با خواندن نماز چیست؟
 - چرا قرآن، موضوع نماز را همراه واژه: «امر» آورده و به نماز دعوت نکرده است؟
 - ادیان دیگر هم نماز داشته‌اند یا نه؟
 - جزئیات نماز در قرآن نیامده است؛ بنابراین، به چه استنادی اینگونه نماز می‌خوانیم؟
 - حضور قلب در نماز یعنی چه؟
- اینها مطالبی هستند که نگارنده در این مقاله، بسیار مختصر به آن‌ها پرداخته است. امید است همکاران ارجمند در سیر مطالعاتی خود، این مباحث را تکمیل نمایند و در کلاس درس ارائه دهند. به خصوص که در کتاب دین و زندگی متوسطه (مثلاً در سال اول، درس ۱۳ و سال دوم درس ۱۶) به این مهم توجه کافی شده است.



روز به جا می‌آوریم و دارای اعمال، اذکار و برنامه مشخصی است و همه با آن آشنايند.

۲. چرا باید نماز بخوانيم؟

از نگاه اسلام که دینی منطقی و بر پایه عشق و خردورزی است، بين خدا و انسان یک رابطه زیبا، عاشقانه و شخصی وجود دارد که هیچ کس در این رابطه خصوصی واسطه نیست. برخلاف بعضی اعتقادات خرافی (از جمله مسیحیت تحریف شده) بعضی انسان‌ها خود را واسطه ارتباط بين خدا و انسان می‌دانند و حتی با این جایگاه به خود اجازه می‌دهند گناهان مردم را ببخشند و زشتی‌های دیگران را از طرف خدا نادیده بگیرند.

اگر چه در اسلام، انسان‌ها مجازند دیگران را به راهنمایی و شفاعت بگیرند (توسل) و آن‌ها را واسطه بين خود و خدا بخوانند ولی اولیای دین، گناهان را نمی‌بخشند و اصولاً اجازه چنین کاری را ندارند و به صریح قرآن: **وَمَنْ يَغْفِرَ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ (آل عمران، ۱۳۵)** [آل عمران، ۱۳۵] چه کسی جز خدا، گناهان را می‌بخشد؟

پس رابطه بين خدا و انسان یک رابطه کاملاً خصوصی و شخصی است و کسی از عمق و چگونگی آن اطلاعی ندارد. انسان ذاتاً خدا را می‌شناسد، او را دوست دارد و اگر خطایی کرد سر در گریبان خویش می‌کند و از خدا پوزش می‌طلبد و با او سخن می‌گوید.

با این تعریف باید به چند مقدمه کوتاه توجه کنیم: الف) خداوند اصل وجود و خالق موجودات است و بر مخلوقاتش حق ولایت کامل دارد و دستورات او را با توجه به این که به صلاح ماست و حکیمانه صادر می‌شود باید اجرا کنیم. این «باید» به معنی زور و اجبار و سر نیزه نیست، بلکه وقتی کسی خدا را شناخت و حکمت و دل‌سوزی او را نسبت به بندگانش دانست، می‌فهمد که اطاعت از اوامر الهی برای خود انسان مفید است و چیزی نصیب پروردگار نمی‌کند.

ب) نماز از دستورات واجب الهی است و در قرآن و روایات ما به واجب و حتمی بودنش تصریح شده و برای ساختن جان آدمی و تثبیت انسان در مسیر خدا به آن نیازمندیم.

ج) نماز را همان‌طور که خدا دستور داده باید اجرا کرد، نه هرطور ما دوست داریم. او صاحب اختیار ماست و نوع رابطه با خود را خودش معلوم کرده و هنگامی که معبود دستوری داده ما به عنوان عابد، عاشق و دوستدار او دستوراتش را گردن می‌نهییم و نماز می‌خوانيم.

در تاریخ می‌خوانيم جوانی از انصار، نماز را با پیامبر (ص) ادا می‌کرد اما در عین حال به گناهان زشت و خطرناکی آلوده بود. ماجرا را به رسول اسلام خبر دادند. فرمودند:

آن صلاته تنهاه یوماً و سرانجام نمازش او را از این اعمال زشت، پاک و برکنار می‌کند. (حرّ عاملی، وسایل، ۷/۳).



در اسلام، انسان‌ها مجازند دیگران را به راهنمایی و شفاعت بگیرند (توسل) و آن‌ها را واسطه بين خود و خدا بخوانند ولی اولیای دین، گناهان را نمی‌بخشند و اصولاً اجازه چنین کاری را ندارند و به صریح قرآن: **وَمَنْ يَغْفِرَ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ**

۳. فرق خواندن نماز با اقامه نماز چیست؟

باید بدانيم خداوند در قرآن مجید به اقامه نماز دستور داده است، نه خواندن نماز. مثلاً بارها فرموده: **وَأَقِمِ الصَّلَاةَ (طه، ۱۴)**

[طه ۱۴ و عنکبوت ۴۵ و لقمان ۱۷] و **أَقِمُوا الصَّلَاةَ (الأنعام، ۷۲)** و این برای آن است که اقامه نماز دامنه وسیع‌تری نسبت به خواندن نماز دارد. اگر دستور خواندن نماز (إِقْرَأُوا الصَّلَاةَ) داده می‌شود، نماز را می‌خوانند ولی لوازم مهم آن را رعایت نمی‌کردند اما وقتی دستور اقامه نماز داده می‌شود، هم خواندن و هم رعایت همه لوازم و جوانب آن مثل اقامه به جماعت و حضور قلب و تبلیغ و ترویج نماز در مجموعه اقامه نماز می‌گنجد. ضمن اینکه اقامه نماز شامل خواندن نماز نیز می‌شود.

کسی که نماز را اقامه می‌کند باید:

۱. مقدمات کامل آن را - مثل وضوی صحیح، رعایت و آماده سازی لباس پاک و مکان مباح و ... - مهیا کند.

۲. در نماز حضور قلب داشته باشد.

۳. نماز را در جامعه تبلیغ و ترویج کند و دیگران را هم به سوی نماز بخواند.

۴. حرمت و حدود نماز را نگه دارد. در آیه ۲۳۸ سوره بقره می‌خوانيم:

حَافِظُوا عَلَي الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوَسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (البقره، ۲۳۸). بر نمازهای پنج‌گانه مواظبت کنید به ویژه نماز میانه (نماز ظهر) و فروتنانه در مقابل خدا بایستید. معنی رعایت حرمت نماز این است که به موقع بخواند و آن را به تأخیر نیندازد و آن را سبک نشمارد.

۵. نماز را به جماعت برگزار کند.

خداوند در قرآن فرموده است: **وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاْكَعِينَ (البقره، ۴۳)** نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (نماز را به جماعت برگزار کنید).

ولی در خواندن نماز (به معنی قرائت آن) این مزایا نیست و خواندن نماز، ناظر به برگزاری ظاهری آن است. خداوند می‌خواهد که نماز اقامه شود یعنی در متن جامعه باشد و همه به آن توجه کنند و در بین آنان ترویج شود، همان‌گونه که در آیه ۴۱ سوره حج فرموده است؟

الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ (الحج، ٤١).
آنان که اگر در زمین قدرتشان دهیم نماز را برپا می دارند.
برای همین به اقامه نماز دستور داده است.

۴. چرا در قرآن برای اقامه نماز از واژه «امر» استفاده شده است؟

می دانیم که قرآن مجید برای انتخاب دین و مکتب از واژه «دعوت» استفاده کرده است. مثلاً می فرماید: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ (النحل، ١٢٥)
به راه پروردگارت، با حکمت و پندهای پسندیده، مردم را فراخوان. چنانکه ملاحظه می کنیم برای دعوت به «سبیل پروردگار» از واژه «دعوت» استفاده شده ولی برای نماز از امر استفاده شده مثلاً فرموده است: اَقِمِ الصَّلَاةَ، اَقِيمُوا الصَّلَاةَ، حَافِظُوا عَلَي الصَّلَاةِ وَبِهَا از فعل مضارع، مثل یقیمون الصلوة، لا یأتون الصلوة إلا وهم کسالی (توبه، ٥٤).
بدیهی است که انتخاب دین تحمیلی و به اجبار نیست وانسانها در انتخاب یک مکتب فکری آزادند. در قرآن می خوانیم: لا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (البقره، ٢٥٦). در انتخاب دین اجباری نیست زیرا راه هدایت از گمراهی آشکار و جدا شده است اما باید دانست که به همان اندازه که در ورود به محدوده یک دین آزادیم، با ورود در آن باید به اجرای قوانین و احکام آن مقید و مکلف باشیم. یعنی وقتی وارد محدوده یک دین شدیم باید به قوانین آن احترام بگذاریم و آنها را اجرا نماییم. قرآن به این موضوع بسیار لطیف و حساس، اشاره کرده و آن را مدنظر داشته است و می خواهد به ما بگوید شما که مسلمان شده اید باید احکام آن را محترم بشمارید و جدی بگیرید. وقتی کسی وارد دژ اسلام و تسلیم در برابر حق شد نمی تواند بگوید که من مسلمانم، ولی نماز نمی خوانم، روزه نمی گیرم، خمس نمی دهم ولی یک مسلمان واقعی هستم!

در واقع بدون اجرای احکام دین، ادعای تسلیم شدن به آن دین، کاری بیهوده و مضحک است.

در اینجا در می یابیم که چرا قرآن برای نماز از تعبیر «امر» و «باید» استفاده کرده است. نماز ستون خیمه دین و از اصول و ارکان مهم آن شمرده می شود و بدون آن ادعای اسلام داشتن پذیرفته نیست.

برای مثال، اگر کسی در یک کارخانه صنعتی استخدام شود باید همه قوانین آن را گردن نهد و احترام نماید، رأس ساعت در محل کار حاضر شود و به مسئولیت های خود دقیقاً عمل کند و بایدها و نبایدهای آن مجموعه را حرمت نهد. نمی توان پذیرفت که چنین کارگری در این مجموعه، نقش داشته باشد ولی از قوانین آن تبعیت نکند، و بگوید من عضو این مجموعه صنعتی هستم ولی هیچ یک از

قوانین و برنامه های آن را قبول ندارم! چنین کسی، در واقع به هیچ وجه عضو این کارخانه محسوب نمی شود. بر همین اساس عقلایی، کسی که اسلام را می پذیرد باید نماز و روزه و سایر برنامه های آن را محترم بشمارد و بر آن ها عمل نماید تا رستگار شود. این «باید»، همان طور که گفته شد، تحمیلی نیست، بلکه لازمه و شرط هدایت شدن و رسیدن به مقصد تبعیت جدی از آن است. بر اساس آیات قطعاً بدون نماز نمی توانیم یک مسلمان کامل باشیم. در روایات اسلامی آمده است که گروهی نزد پیامبر اسلام (ص) آمدند و عرض کردند ما قوانین اسلام را شنیده ایم و مایلیم به آن بگرویم ولی خواندن نماز برای ما سنگین و وقت گیر است. ما مسلمان می شویم ولی ما را از نماز معاف دارید!

رسول گرامی اسلام بلافاصله فرمودند: خداوند به اسلام آوردن شما نیازمند نیست، اسلام بدون نماز مثل خیمه بدون عمود است و بر پا نمی شود (صدوق، ١٣٦٨).

۵. آیا در ادیان قبلی هم نماز بوده است؟

اقامه نماز (صلاة) از سوی انبیای الهی «علیهم السلام» در قرآن یادآور شده است. این نشان می دهد که همه انبیا مأمور به عبادتی به نام نماز بوده اند ولی ظاهراً نوع نماز آن ها با هم متفاوت بوده است، اما قطعاً نماز به معنی ارتباط داشتن با خدا، عمل مشترک همه انبیا و اولیای خداست. نیکان عالم معتقدند که نماز همه انبیا، اگر چه از نظر ظاهری با هم متفاوت بوده است ولی در دو عمل عرفانی، یعنی «رکوع» و «سجود» مشترک بوده اند و در این میان، سجده به عنوان عالی ترین مقام بندگی، افتخار و امتیاز همه پیامبران و اولیای خدا بوده است.

الف) حضرت آدم (ع): نماز در عصر حضرت آدم به عنوان عبادتی بزرگ مطرح بوده است. علی بن ابراهیم قمی (ره) در تفسیرش نقل می کند که چون آدم و حوا از بهشت (موقت) بیرون آمدند، روز اول ذی قعدة به زمین هیبوط کردند. آدم بسیار گریست و توبه کرد و به فرمان پروردگار در زمین غسل کرد و احرام بست. در روز هشتم ذی حجه به منی رفت، صبح نهم به عرفات آمد و از طرف خدا مأمور اقامه نماز شد و پس از نماز ظهر و عصر، کلمات توبه واقعی به او تعلیم شد و آنگاه عظمت از دست رفته را باز یافت (علی بن ابراهیم، ١٣٦٠). از این دست روایات چنین بر می آید که حضرت آدم (ع) دارای عبادتی گران بها به نام نماز بوده است، اگر چه چگونگی، تعداد رکعات و زمان هر نماز آن حضرت بر ما معلوم نیست، ولی مهم آن است که برای به جای آوردن نماز دارای مسئولیت بوده است.



بدیهی است
که لسان عربی
توانسته است این
نقش را ایفا کند
و محور مناسبی
برای این ارتباط
باشد. البته باید
اقرار کرد که
عربی زبان رایج
همه مردم دنیا
نیست و غیر عرب
باید همت کنند
و آن را بیاموزند.
قطعاً ما نمی توانیم
زبانی را به دنیا
معرفی کنیم که
همه مردم گیتی
آن را بفهمند
و اگر هر زبان
دیگری به جز
عربی را برای نماز
خواندن معرفی
کنیم، باز همین
سؤال مطرح است

ب) حضرت ادریس (ع): امام صادق (ع) می‌فرماید: چون به کوفه رفتی از مسجد سهله دیدن کن و در آنجا نماز بگزار و از خدا چیزی بخواه که این مسجد خانه ادریس بوده و خیاطی و نماز را در همانجا انجام می‌داده است. مرحوم طبرسی، وی را جد پدری نوح(ع) می‌داند (طبرسی، ۱۳۵۵).

ج) حضرت نوح(ع): قطعاً یکی از اقامه کنندگان نماز، نوح پیامبر بوده است. امام باقر(ع) می‌فرماید: ارتباط با خدا که فطرت همه آدمیان بر آن سرشته شده، از اصول آیین نوح بود. خدا او را به نماز و عمل به نیکی‌ها و پرهیز از بدی‌ها امر کرده بود و او مأمور بود تا حلال و حرام را به مردم بگوید (مجلسی، ۱۴۲۲ ق).

د) حضرت ابراهیم (ع): ابراهیم بت‌شکن، خلیل و دوست خدا و شیخ الانبیا، هم دارای مقام نبوت بود و هم مقام امامت داشت. آزمایش‌های بزرگ و سنگینی را به پایان رساند و در همه آن‌ها پیروز و سربلند شد و به مقامی بس والا رسید. خدا در قرآن، در آیه ۳۷ سوره ابراهیم، هدف همه تلاش‌های او را در مسیر خدا، اقامه نماز می‌داند، آنجا که می‌فرماید: رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ (ابراهیم، ۳۷).

پروردگارا، من زن و فرزندم را در بیابانی خشک و سوزان در کنار جایگاه خانه تو قرار دادم و به این سبب اینان را در این منطقه می‌گذارم که نماز را به پای دارند و هم در آیه کریمه ۴۰ همان سوره می‌فرماید: پروردگارا! من و فرزندانم را از برای دارندگان نماز قرار ده و درخواست مرا به پیشگاهت بپذیر.

ه) حضرت اسماعیل (ع): در آیه کریمه ۵۴ و ۵۵ سوره مریم می‌خوانیم: به یاد آرزوی زندگی اسماعیل را که دارای اوصافی پسندیده بود، وفادار به پیمان، فرستاده حق، امر کننده زن و فرزند به نماز و زکات و بنده‌ای که خداوند بزرگ از او در تمام شئون زندگی و برنامه‌های حیات راضی بود.

و) اسحاق و یعقوب علیهم السلام:
 ... وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ
 وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةَ (انبیا، ۷۲-۷۳)

ما به او (ابراهیم) اسحاق و یعقوب را عطا کردیم و همه را شایسته و لایق نبوت قرار دادیم و ایشان را به پیشوای خلق برگزیدیم تا مردم را هدایت کنند و پرکار نیکو و نیز بر پایی نماز را بر آن‌ها وحی کردیم...

ز) شعیب (ع): ما برای هدایت مردم مدین، برادرشان شعیب را فرستادیم، (الأعراف، ۸۵) او گفت: ای مردم خدا

را بپرستید ... در جواب او گفتند: آیا نماز تو به تو دستور داده است تا ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، نهی کنی؟ نماز تو موجب شده است تا مسیر و شکل زندگی ما را عوض کنی؟ به راستی تو بردبار و راه یافته‌ای! (هود، ۸۷) (پس چرا می‌خواهی در برابر آزادی ما نسبت به بت‌پرستی و هزینه کردن اموال‌مان به هر کیفیتی که بخواهیم بایستی؟)

ح) موسی(ع): ... چون موسی به آن آتش نزدیک شد، ندایی شنید: من پروردگار تو هستم ... تو را به مقام شامخ رسالت برگزیده‌ام ... و نماز را در جهت یاد کردن از من برپای دار [طه ۱۱-۱۴]. امام باقر (ع) فرمود: خداوند موسی را برگزید زیرا در وقت نماز صورت خویش را طولانی بر خاک می‌گذاشت (مجلسی، بحار ۸/۱۳).

ط) لقمان (ع): و یاد کن از لقمان هنگامی که فرزندش را پند می‌داد... ای فرزند، نماز را برپای دار و به نیکی‌ها دستور ده و از زشتی‌ها بازدار و بر حوادثی که به تو روی آورده است بردبار باش. (لقمان ۱۳-۱۷).

ی) داود (ع): مرحوم مجلسی، محدث کم‌نظیر شیعه در کتاب بحار الانوار روایاتی درباره‌ی علاقه حضرت داود (ع) به نماز و سجده‌های طولانی او آورده است، که می‌توان هشت روایت آن را در جلد ۱۴ این مجموعه پربرتک معنوی دید.

ک) سلیمان (ع): امام صادق (ع) درباره‌اش فرمود: نماز در رأس عبادات سلیمان بود و او در میان مردم به کثرت نماز و داشتن حساسیت به آن مشهور بود (مجلسی، بحار ۹۸/۱۴).

ل) زکریا(ع): در آیه کریمه ۳۸ سوره آل عمران می‌خوانیم:

... آن هنگام که زکریا، عنایات حق را نسبت به مریم مشاهده کرد، عرضه داشت: پروردگارا، مرا از لطف خویش فرزندان پاک سرشت عطا فرما... و در حالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود، فرشتگان به او مژده دادند همانا خدا تو را به ولادت یحیی مژده داده است.

م) عیسی (ع): عیسی گفت: همانا من بنده خدایم، به من کتاب آسمانی عنایت شده است و به شرف نبوت آراسته شده‌ام و هر کجا باشم برای جهانیان برکتم و تا زنده‌ام دستور دارم نماز را به پای دارم و زکات را بپردازم [مریم، ۲۴].

ن) یونس(ع): اگر یونس اهل تسبیح نبود هر آینه تا قیامت در شکم ماهی مانده بود [صافات، ۱۴۳]. ائمه ما فرموده‌اند: منظور از تسبیح و ستایش یونس نماز او بوده است و این عبادت با عظمت او را از شکم ماهی نجات داد (طبرسی، مجمع ۴۵۹/۸).

س) خاتم انبیا (ص): در سوره هود آیه ۱۴ می‌خوانیم:

ب) حضرت ادریس (ع): امام صادق (ع) می‌فرماید: چون به کوفه رفتی از مسجد سهله دیدن کن و در آنجا نماز بگزار و از خدا چیزی بخواه که این مسجد خانه ادریس بوده و خیاطی و نماز را در همانجا انجام می‌داده است. مرحوم طبرسی، وی را جد پدری نوح(ع) می‌داند



وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ (هود، ۱۱۴).

... و نماز را دو طرف روز و ساعات نخستین شب بر پا دار که به یقین نیکی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برند.

از امامان ما نقل شده است که فرموده‌اند: منظور از دو طرف روز، صبح و مغرب است و این اشاره به سه نماز صبح، مغرب و عشاء است. بعضی‌ها معتقدند منظور از دو طرف روز، در برگرفتن همه وسعت روز است و شامل همه نمازهای پنج‌گانه می‌شود (مکارم، نمونه ۲۶۶/۹). از مجموعه این آیات و روایات معلوم می‌شود این گوهر گران‌بها، از شعارهای اساسی دعوتگران به سوی خدا و بلکه هدف اساسی آنان در دعوت و گسترش آن است.

۷. شیوه کامل خواندن نماز در قرآن نیامده است، ما چگونه و از کجا این گونه نماز می‌خوانیم؟ قرآن مجید برای هدایت بشریت، خود را دارای سرمایه‌ای بزرگ تا قیامت دانسته است و فرمود «آنچه را که انسان‌ها به آن نیازمندند برای ایشان آورده‌ام»، به طوری که در هر دوره و زمانی می‌توان قواعد و قوانین مورد نیاز همان زمان را از قرآن به دست آورد و در سوره نحل، آیه ۸۹ می‌خوانیم:

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ. ای پیامبر، ما بر تو این قرآن عظیم را فرستادیم تا حقیقت هر چیزی را روشن کند و در جای دیگر فرمودند: و کوچک‌تر از ذره و بزرگ‌تر از آن، هر چه هست همه در کتاب مبین حق (لوح علم الهی) مسطور است [یونس، ۶۱] و در کریمه ۳۸ سوره انعام می‌خوانیم:

مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ. ما در کتاب خود، هیچ چیز را فرو گزار نکرده‌ایم.

امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند در قرآن، حقیقت هر چیزی را روشن نموده است، حتی به خدا قسم هر چیزی را که بندگان خدا به آن احتیاج دارند برای مردم بیان کرده است (مجلسی، بحار ۸۱/۹۲).

معلوم است که بیان حقایق دین در کتاب مبین، گاهی به تفصیل آمده و گاهی به بعضی راه‌های استفاده از این اصول، اکتفا شده است. با این تعریف، همه چیز در قرآن است یعنی اصول و قواعد کلی مسیر هدایت در قرآن آمده ولی همه جزئیات در آن نیست زیرا قرآن اختصاص به یک فصل معین یا دوره زمانی مشخص ندارد. قرآن کتاب همه فصول و همه دوران‌هاست و ما اگر چیزی نیاز داشتیم و در قرآن نیافتیم باید به سراغ سیره رسول گرامی اسلام و امامان معصوم برویم و بخواهیم که آن‌ها به استناد قواعد قرآنی، جواب ما را بدهند.

از طرف دیگر، خداوند سخن رسول (ص) را عین وحی دانسته و فرموده: او از روی هوا و هوس خویش سخن نمی‌گوید، هر چه می‌گوید وحی الهی است. [نجم، ۳، ۴]. از این آیه قرآن معلوم می‌شود، در مقام تبیان و بیان و توضیح آیات قرآن، هر چه پیامبر گرامی بگوید، عین وحی است و باید از آن تبعیت کرد.

اگر قرآن دستور اقامه نماز داده است، پیامبر شیوه کامل آن را برای ما بیان می‌کند و می‌فرماید: صلوا کما رأیتمونی أصلی. آنگونه که من نماز می‌خوانم، بخوانید. (همان) نتیجه آن در قرآن دستور اقامه و خواندن نماز داده شده و جزئیات این اقامه را، پیامبر گرامی اسلام (ص) معلوم نموده و خودش نماز خوانده و به مردم آموخته است، و ما امروز به استناد نماز رسول خدا (ص) خود را مکلف به اقامه همان نماز می‌دانیم.

امامان معصوم نیز که جانشینان حقیقی رسول گرامی اسلام‌اند، این مسئولیت را دقیقاً انجام دادند و مردم را با شیوه صحیح نماز آشنا نمودند.

حماد بن عیسی گوید: امام صادق روزی به من فرمود: ای حماد، آیا می‌توانی نیکو نماز بگزاری؟ گفتم: بله، فرمود: برخیز و نماز کن.

من در مقابل ایشان و رو به قبله ایستادم و نماز خواندم. فرمود: نیکو نماز نمی‌گزاری! چقدر بد است کسی سال‌ها نماز بخواند اما نتواند یک نماز درست بجای آورد! گفتم: پس نماز را به من بیاموزید.

امام (ع) راست و رو به قبله ایستاد. دستانش را به سوی ران‌هایش رها کرد، انگشتانش را به هم چسبانید، قدم‌هایش را به هم نزدیک ساخت

تا آنجا که بین دو قدم ایشان، سه انگشت باز فاصله بود.

همه انگشتان پاهایش رو به قبله قرار داشت و پاهای خود را از قبله منحرف نمی‌ساخت. با خشوع و تذلل و زاری، نماز را آغاز کرد. «الله اکبر» گفت و سپس سوره حمد

اگر قرآن دستور اقامه نماز داده است، پیامبر شیوه کامل آن را برای ما بیان می‌کند و می‌فرماید: صلوا کما رأیتمونی أصلی. آنگونه که من نماز می‌خوانم، بخوانید.



هدایت گام نمی گذاشتیم و در گمراهی به سر می بردیم و از حقایق الهی بی خبر بودیم.

۸ حضور قلب در نماز چگونه به دست می آید؟
قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ
(المؤمنون، ۱-۲)

بی تردید مؤمنان رستگار شدند آنان که در نمازشان (به ظاهر) فروتن (و به باطن با حضور قلب) اند. در اینجا قرآن کریم، اقامه نماز را نشانه ایمان داشتن نمی شمارد بلکه خشوع را از ویژگی های آنان می داند. اشاره به اینکه نماز آن ها الفاظ و حرکاتی بی روح و فاقد معنی نیست بلکه به هنگام نماز، آنچنان حالت توجه به پروردگار در آن ها پیدا می شود که از غیر خدا جدا می شوند و به او می پیوندند.

در آیه ۱۴ سوره طه می خوانیم: و نماز را به یاد من و برای من به پا دار. یعنی نمازی بخوان که در آن یاد من باشد و مقابل «یاد خدا» غفلت است و خدا از غفلت و بی خبری نهی فرموده است. در سوره اعراف آیه ۲۰۵ نیز فرمود: وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ (اعراف ۲۰۵).

حضور قلب به معنی توجه باطنی به آن است که انسان بدانند الآن در مقابل پروردگار ایستاده و با او سخن می گوید. با این تعریف، حضور قلب مراتب و درجاتی دارد و هر کس می تواند درجه و مرتبه ای از حضور قلب را پیدا کند.

بعضی درجه های حضور قلب عبارتند از:

(الف) اینکه انسان توجه داشته باشد در نماز است و از این معنا غافل نباشد و افعال آن را درست انجام دهد.

(ب) بدانند در نماز است و به کلمات و صحت قرائت آن ها هم توجه کند.

(ج) به نماز خواندن، صحت قرائت متون و اذکار و به معانی آن توجه کند.

مثلاً بدانند «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ (الفاتحة، ۷)» یعنی خدایا ما را از کسانی که مورد غضب تو واقع شده اند قرار مده.

(د) اینکه نماز گزار متوجه باشد که در حضور پروردگار است و همین معنا که خداوند الآن مرا می بیند و صدای مرا می شنود و من در مقابلش



(ب) حضرت

ادریس (ع):

امام صادق (ع)

می فرماید: چون

به کوفه رفتی از

مسجد سهله دیدن

کن و در آنجا نماز

بگزار و از خدا

چیزی بخواه که این

مسجد خانه ادریس

بوده و خیاطی و

نماز را در همانجا

انجام می داده است.

مرحوم طبرسی، وی

را جد پدری نوح (ع)

می داند

و توحید را با ترتیل قرائت کرد و بعد برای لحظه ای به اندازه ای که تنفس کند در حال ایستاده درنگ کرد و در حال ایستاده «الله اکبر» گفت و به رکوع رفت و دو کف دستش را به صورت باز و گشوده روی زانوانش قرار داد و زانو ها را به سمت عقب برگرداند، به گونه ای که پشتش راست و هموار شد، چنانکه اگر قطره ای آب بر پشت آن حضرت ریخته می شد، ثابت بر جای خود باقی می ماند. حضرت در حال رکوع، گردنش را کشید و چشمانش را فرو بست و سه بار به ترتیل «سبحان ربی العظیم و بحمده» گفت، بعد راست ایستاد و چون کاملاً قرار یافت «سمع الله لمن حمده» گفت و تکبیر را تکرار کرد و دستان را تا موازی صورتش بالا آورد. سپس به سجده رفت و کف های دست خود را با انگشتان به هم چسبیده بین هر دو زانو و برابر صورت به زمین گذاشت و سه بار «سبحان ربی الاعلی و بحمده» گفت و هیچ عضوی از بدنش را روی عضو دیگر نگذاشت و بر هشت استخوان بدن سجده کرد: پیشانی، دو کف دست، دو زانو، دو انگشت بزرگ پا. این هفت مورد واجب است و بینی را از روی استحباب بر خاک گذاشت که «ارغام» نامیده می شود. سر از سجده برداشت و چون به طور کامل نشست «الله اکبر» گفت و بعد بر روی ران چپ نشست و روی پای راست را بر کف پای چپ گذاشت و «استغفر الله و اتوب الیه» گفت و پس از تکبیر به سجده دوم رفت و ذکر سجده اول را تکرار کرد... دو رکعت را به جای آورد و به تشهد نشست، سلام داد و فرمود: ای حمادا! چنین نماز بگزار. در نماز به جای دیگر التفات نکن و با دست و انگشتان بازی نکن (عبادات، مدرسی، ۲۱۶). به راستی اگر تشریح و بیان پیامبر و امامان ما نبود؛ امروز ما در مسیر

ایستاده‌ام، حضور قلب است و به دست آوردن این مقام، کاری دشوار است و خود این مقام از نظر شدت و ضعف مراتبی دارد. «بهترین و کامل‌ترین نوع حضور قلب این است که قلب نمازگزار در مقابل هر فعلی از افعال و هر قولی از اقوال نماز متوجه همان فعل و قول باشد و حضور پروردگارش را مراعات کند و متوجه باشد که این اعمال را در حضور او ادا می‌کند... و فهم اقوال و افعال، در واقع حضور قلب نزد همان افعال و اقوال است... و برای فهم اقوال و اذکار و توجه به حضور



اگر قرآن دستور اقامه نماز داده است، پیامبر شیوه کامل آن را برای ما بیان می‌کند و می‌فرماید: صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي. آنگونه که من نماز می‌خوانم، بخوانید.

پروردگار، مقام دیگری است (ملکی، اسرار ۱۸۸). این مقام موجب می‌شود نمازگزار با تمام هستی و وجود خود و با هیبت و رجا و حیای کامل و با درک جلال پروردگاری، در پیشگاه خدا حاضر شود... و از اخبار فهمیده می‌شود اگر لاقل یک دهم نماز به این صورت انجام شود، آن نماز برگردانده نمی‌شود (همان، ۳۰۸).

در احوال رسول گرامی اسلام (ص) آمده است که وقتی به نماز می‌ایستاد صورت مبارکش از خوف پروردگار متعال تغییر می‌کرد و می‌فرمود: «وَجْهَتُ وَجْهِي لِلذِّی فُطِّرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (الأُنْعَام، ۷۹)» و همه امامان ما و اولیای خدا اینگونه بودند و حالت خشوع و فروتنی در نماز و توجه کامل به باطن نماز در ایشان پدیدار بود و با این حالت، ارتباطشان با جهان مادی قطع می‌شد و از اطراف خود منقطع می‌شدند.

امام صادق (ع) فرمود: علی بن الحسین؛ زین العابدین را می‌دیدم که در حال نماز رنگ به رنگ می‌شد، معبودی را که در برابرش قیام کرده بود می‌شناخت و چون در نماز عبا از شانه مبارکش می‌افتاد، توجهی نمی‌کرد، عرض می‌شد عبایتان از شانه‌تان افتاد. می‌فرمود: وای بر تو! می‌دانی در مقابل چه کسی ایستاده بودم؟ چنین حضوری مرا از توجه به فکر عبا منصرف ساخته بود. به تحقیق همان مقدار از نماز که با حضور قلب باشد پذیرفته است. سائل پرسید: پس با این حساب ما به هلاکت می‌رسیم! حضرت فرمود: نه، خداوند به وسیله نمازهای مستحبی شما، کمبودهای نمازهای واجب را کامل می‌کند (مجلسی، بحار ۲۶۵/۸۱).

منابع

- پس از قرآن کریم و نهج البلاغه (ترجمه دشتی)
۱. رحیمی، مصطفی؛ ترجمه المنجد، صبا، تهران، ۱۳۷۷
 ۲. صدوق، محمدبن علی؛ امالی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵
 ۳. طبرسی، امین‌الاسلام؛ تفسیر مجمع البیان، فراهانی، تهران، ۱۳۶۶
 ۴. عاملی، حر؛ وسائل الشیخ، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶
 ۵. فیض کاشانی، محسن؛ تفسیر صافی، محمودی، تهران، ۱۳۳۴
 ۶. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر علی بن ابراهیم، دارالتراث العربی، بیروت، ۱۹۹۲م
 ۷. مجلسی، محمدتقی؛ بحار الانوار، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۹۹۰
 ۸. مدرسی، محمد تقی؛ احکام عبادات (رسالة علمیه)، محبان الحسین (ع)، تهران، ۱۳۸۱
 ۹. مکارم، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸
 ۱۰. ملکی، میرزا جواد، اسرار الصلوة، پیام آزادی، تهران، ۱۳۶۵
 ۱۱. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱